

گرچه بعد از سال ها جنگ میان طالبان و امریکا و با وجود کشته شدن هزاران نفر از طرفین، برخی هنوز تئوری ابزار مستقیم امریکا بودن این جریان را فریاد می کنند ولی امروز که همه رقبا امریکا خصوصاً ایران، چین و روسیه، به دنبال استقرار اوضاع در افغانستان و همراهی با دولت مستقرش هستند، بهتر می توان به ماهیت ضد امریکایی جریان حاکم کنونی بر افغانستان پی برد

نشست مسکو درباره همسایگان افغانستان ۱۶ نوامبر گذشته با یک بیانیه پایانی که به امضای نمایندگان کشورهای روسیه، چین، پاکستان، ایران، هند، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان رسیده بود پایان یافت. این بیانیه از چند جهت تأمل برانگیز بود.

مقایسه اجمالی این بیانیه با بیانیه نشست وزرای شش کشور همسایه افغانستان بعلاوه روسیه که شهریور سال قبل در اسلام آباد انجام شد و همچنین بیانیه نشست وزرای امور خارجه کشورهای همسایه افغانستان که آبان سال قبل در تهران برگزار گردید و همچنین بیانیه پایانی نشست مشاوران امنیت ملی هشت کشور منطقه که آبان سال گذشته در دهلی برگزار شد نشان می دهد که در همه آنها چند مسأله مشترک درباره افغانستان وجود دارد: نگرانی های امنیتی از داخل افغانستان خصوصاً تحرک گروه هایی چون داعش، مسأله مهاجرت گسترده و لزوم کنترل آن، لزوم تشکیل دولتی فراگیر و همه شمول از اقوام مختلف، توجه به حقوق اقلیت ها و زنان، لزوم پرهیز از راه حل نظامی، مداخله خارجی و جنگ داخلی و...

اما بیانیه نشست روسیه ضمن تأکید بر موارد فوق، رویکردی ایجابی ترو تعاملی تراز گذشته دارد و دولت سرپرست امارت را به عنوان واقعیت کنونی که همکاری و همراهی با او می تواند مسائل فعلی افغانستان را کاهش داده و از روند مهاجرت یا توسعه خشونت سازمان یافته بکاهد در نظر می گیرد و بر لزوم تعامل جدی تر با او تأکید می کند. در کنار آن نیز، بر لزوم عدم اجازه به کشور ثالث خارجی برای ورود نظامی مجدد به افغانستان، پافشاری می نماید. شاه بیت این بیانیه و سایر موضوع گیری های همسایگان و قدرت های منطقه درباره افغانستان را می توان «حفظ ثبات» در این کشور دانست. چیزی که مردم افغانستان بشدت نیازمند آن می باشند.

گرچه بعد از سال ها جنگ میان طالبان و امریکا و با وجود کشته شدن هزاران نفر از طرفین، برخی هنوز تئوری ابزار مستقیم امریکا بودن این جریان را فریاد می کنند ولی امروز که همه رقبا امریکا خصوصاً ایران، چین و روسیه، به دنبال استقرار اوضاع در افغانستان و همراهی با دولت مستقرش هستند، بهتر می توان به ماهیت ضد امریکایی جریان حاکم کنونی بر افغانستان پی برد. برخورد رسانه زده با پدیده های واقعی، مسأله ای است که امروز دامن برخی از نخبگان ما را هم گرفته است. تحلیل هایی که می خواهند مبتنی بر داده های وهمی و حدس و گمان، مشاهدات عینی و متقن را نیز منکر شوند کم نیستند و بعید هم نیست که بخاطر برخی دینامیک های قومی، برای این دست تحلیل های بی پایه، هورا هم کشیده شود ولی هیچ مبنای استدلالی در آنها موجود نیست.

سران روسیه، چین و ایران، بارها و بارها در این ۱۵ ماه با مسئولان سیاسی و امنیتی دولت سرپرست امارت دیدار داشته اند ولی در کمال تعجب شاهد هستیم که آنچه در رسانه ها بزرگنمایی می شود، دیدار کمتر از یک ساعته مسئول استخبارات امارت با مسئولان امنیتی امریکا است این یعنی برخی، تلاش دارند تا آنچه دوست دارند روایت شود نه آنچه هست! بعلاوه توزیع گسترده دروغ هایی که احتمالاً با نام عملیات روانی ساخته و پرداخته می شوند نیز نشانگر وجود دست هایی پنهان برای بازگرداندن مجدد غرب به این کشور مظلوم و جنگ دیده است. طبیعی است که غرب نمی خواهد رقبا مهم او در افغانستان جای پا داشته باشند و در کمال تأسف، مهمترین ابزارهای او، «ناامن سازی» و «فشار اقتصادی» است.

چنانچه در این بیانیه نیز تأکید شده، غرب و امریکا در اقدامی ضد انسانی، اموال مردم افغانستان را توقیف کرده و از کمک های پر حجم گذشته خود نیز دست کشیده اند و طبعاً کشوری که دوسوم بودجه سالانه اش را کمک های خارجی تشکیل می داده، دچار فشار اقتصادی جدی شده است.